

روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی

محمدجواد توکلی*

چکیده

نماگرها و شاخص توسعه نقشی اساسی در ارزیابی و بهبود میزان پیشرفت کشورها ایفا می‌کنند. از نگاه روش‌شناسانه، تدوین شاخص یک‌پارچه توسعه و پیشرفت مستلزم پیمودن چهار مرحله مفهوم‌سازی، استخراج معیارها، طراحی نماگرها و یک‌پارچه‌سازی آنها می‌باشد. بنا به فرضیه این مقاله که با استفاده از روش تحلیلی ارزیابی شده است، پذیرش مفهوم قرآنی توسعه و پیشرفت موجب تحوّل اساسی در تدوین معیارها و همچنین شاخص آن می‌شود. بر اساس گفتمان قرآنی، توسعه جوامع انسانی به مفهوم تعالی افراد آن جوامع برای دستیابی به زندگی پاکیزه (=حیات طیبه) در سرزمین پاک (=بلده طیبه) و آباد (عمران) است. این مفهوم متعالی از توسعه انسانی را که از آن با عنوان «پیشرفت انسانی» یاد می‌شود، می‌توان با توجه به کلام وحی در آسیب‌شناسی تمدن‌ها و در چارچوب مؤلفه‌های «توانمندی اخلاقی»، «توانمندی فکری»، «توانمندی جسمی - روانی»، و «توانمندی درآمدی» ملت‌ها بازشناسی کرد. در این چارچوب، شاخص‌های ترکیبی پیشرفت انسانی تحقق این توانمندی‌های چهارگانه را اندازه‌گیری می‌کند. وزن‌دهی به هر یک از این توانمندی‌ها را می‌توان با توجه به تأکیدات دینی بر هر یک از آنها تعیین نمود.

کلیدواژه‌ها: توسعه و پیشرفت، پیشرفت انسانی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، حیات طیبه، شاخص پیشرفت، گفتمان قرآنی.

طبقه‌بندی JEL: C8, C43, O15, O1

مقدمه

سنجش میزان توسعه‌یافتگی و پیشرفت جوامع، و شاخص‌های ارزیابی آن، همواره یکی از مسائل پیش‌روی اقتصاددانان توسعه بوده است. در چند دهه اخیر، همراه با تحوّل در مفهوم رشد و توسعه، معیارهای سنجش پیشرفت ملّت‌ها دستخوش تغییر شده‌اند. هنگامی که اقتصاددانان به جنبه‌های کمی رشد و توسعه توجه می‌کردند، تولید ناخالص ملّی^۱ معیاری برای سنجش میزان پیشرفت کشورها تلقی می‌شد. بر این اساس، کشوری پیشرفته‌تر است که در طول یک سال، کالاها و خدمات بیشتری عرضه کند. عبور از مفهوم «رشد»^۲ به مفهوم «توسعه»^۳ و توجه به جنبه‌های متنوع اجتماعی آن، طراحی شاخص‌های ترکیبی توسعه را موجب گردید. با طرح ایده توسعه انسانی،^۴ از سال ۱۹۹۰، سازمان ملل متحد شاخص ترکیبی توسعه انسانی (مشمول بر شاخص‌های توانمندی بهداشتی، آموزشی، و درآمدی) را برای بیشتر کشورهای جهان محاسبه می‌کند.^۵ بانک جهانی نیز هر سال گستره‌ای از شاخص‌های توسعه را محاسبه و منتشر می‌نماید.^۶

گرچه طراحی شاخص توسعه انسانی گامی رو به جلو بوده که اقتصاددانان را از مفهوم کمی «رشد» به سمت مفهوم کیفی «توسعه» سوق داده و به آن جنبه انسانی تری داده است، هنوز این شاخص نتوانسته انتظارات اندیشمندان توسعه را برآورده سازد. شاهد این امر را می‌توان در مخالفت اولیه آمارتیا سن،^۷ (برنده جایزه نوبل اقتصادی در سال ۱۹۹۸) با درخواست محب الحق^۸ (اقتصاددان پاکستانی) برای مشارکت در طراحی شاخص توسعه انسانی دانست. سن، که دیدگاه قابلیت^۹ او مبنای نظری شاخص توسعه انسانی را شکل داده، معتقد بود که تدوین شاخص توسعه انسانی کاری دشوار است و نمی‌تواند چندان کارساز باشد. وی با اصرار محب الحق مبنی بر اینکه تقریب شاخص توسعه انسانی می‌تواند دیدگاه سیاست‌گذاران کشورها را تغییر دهد و توجه آنها را به جنبه‌های انسانی توسعه جلب کند، در طراحی شاخص توسعه انسانی مشارکت کرد.^{۱۰}

توجه به گذر از شاخص تولید ناخالص ملّی به شاخص توسعه انسانی بیانگر آن است که این تحوّل در تدوین شاخص به دنبال تحوّل در مفهوم رشد و توسعه اتفاق افتاد. هنگامی که اقتصاددانان از مفهوم کمی «رشد» به سمت مفهوم کیفی «توسعه» تمایل پیدا کردند، تدوین شاخص توسعه نیز از شاخصی کمی و تک‌بعدی به شاخصی کیفی و

چندبعدی تغییر کرد. با صرف‌نظر از این سؤال که آیا شاخص سه‌بعدی توسعه انسانی می‌تواند مفهوم کیفی توسعه را اندازه‌گیری کند، ما با این پرسش روبه‌رو هستیم که آیا این شاخص می‌تواند مفهوم پیشرفت و تعالی را در ادبیات رشد و توسعه اسلامی اندازه‌گیری کند؟ اگر این ادعا را بپذیریم که مفهوم اسلامی پیشرفت با مفهوم متعارف رشد و توسعه فرق دارد، سنجش و تقریب این مفهوم متفاوت با توسعه نیاز به شاخص‌های خاص خود دارد. سؤال پیش‌رو آن است که چگونه می‌توان مفهوم اسلامی توسعه را که از آن با عنوان «پیشرفت» یاد می‌کنیم، اندازه‌گیری کرد؟

در این مقاله، با توجه به جلوه‌های متمایز مفهوم اسلامی پیشرفت، شاخصی ترکیبی برای سنجش آن پیشنهاد می‌شود. ما به طور عمده بر جنبه‌های روش‌شناختی استخراج شاخص متمرکز شده و به جنبه‌های محاسباتی آن نمی‌پردازیم. برای این منظور، بعد از مروری بر پیشینه بحث، نخست به اختصار مفهوم شاخص پیشرفت و مراحل تدوین آن را بررسی می‌کنیم؛ سپس، به تفصیل، چهار مرحله تدوین شاخص ترکیبی پیشرفت اسلامی بر اساس گفتمان قرآنی را تبیین می‌نماییم.

پیشینه تحقیق

با وجود پیشرفت‌هایی که در دهه‌های اخیر در ادبیات توسعه اسلامی رخ داده، بحث از تدوین شاخص‌های آن چندان مورد تحقیق و بررسی قرار نگرفته است. این خلأ در زمینه تدوین شاخص توسعه انسانی با نگرش اسلامی نیز به چشم می‌خورد. در یکی از مطالعات انجام گرفته در این زمینه، نصرالله خلیلی (۱۳۸۰) به ارائه مبانی توسعه انسانی اسلامی می‌پردازد و ایمان و عمل صالح را معیارهای آن می‌داند او می‌گوید: ایمان و عمل صالح را با توجه به میزان عمل به فروع دین می‌توان اندازه‌گیری کرد.

محمد جمال خلیلیان (۱۳۸۴ و ۱۳۸۶)، ضمن طرح ایده شاخص‌های توسعه انسان‌محور، میزان «توسعه‌یافتگی نیروی انسانی»، «تناسب سطح مصرف و رفاه جامعه با معیشت عموم مردم»، «پایبندی افراد جامعه در حفظ منافع ملی»، «تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه»، و «کام‌یابی در رفع فقر و تأمین نیازهای اساسی» را پنج شاخص اصلی برای سنجش میزان توسعه اقتصادی کشورها می‌پندارد.^{۱۱}

همایون. ا. در و سعیده، ف. آتیتی (۲۰۰۲) نیز با پیشنهاد «شاخص توسعه انسانی اخلاقی»، مقوله‌های ارزشی و دینی را در قالب پنج بعد «توانمندی جنسیتی»، «تخریب زیست‌محیطی»، «آزادی‌های مدنی و سیاسی»، «ارزش‌های خانوادگی»، و «نفوذ مذهبی»، به شاخص توسعه انسانی اضافه می‌کنند. این دو نویسنده معتقدند: تخریب زیست‌محیطی با متوسط سالانه جنگل‌زدایی، فرسایش خاک، و نمک‌زایی قابل‌سنجش است؛ ولی شاخص سرانه انتشار دی‌اکسید کربن پیشنهاد می‌کنند. آنان آزادی‌های مدنی و سیاسی را با شاخص آزادی سنجیده‌اند که دربردارنده میزان برخورداری از آزادی‌های سیاسی و مدنی است. این نویسندگان علی‌رغم پیشنهاد دو شاخص «نرخ طلاق» و «میانگین سن ازدواج اول»، میزان باروری را به عنوان شاخصی برای سنجش ارزش‌های خانوادگی به کار گرفته‌اند. آنها میزان نفوذ مذهبی در جامعه را نیز توسط شاخص دین^{۱۲} سنجیده‌اند.^{۱۳}

در مقاله حاضر، تلاش می‌شود که با استفاده از نتایج پژوهش‌های پیشین، روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی مورد بررسی قرار گیرد. تفاوت این نوشته با پژوهش‌های پیشین از طرفی به سبب رویکرد روش‌شناسانه آن و از طرف دیگر، ناشی از بازتعریف توانمندی اخلاقی به عنوان بعد چهارم توسعه انسانی می‌باشد. در این مقاله معیار سنجش و ارزش‌گذاری پیشرفت انسانی رویکرد توانمندی و نه رویکرد نتیجه‌گرایی مطلوبیت‌گرایانه است.^{۱۴} برای نشان دادن تمایز مفهومی موجود، شاخص پیشنهادی، شاخص پیشرفت انسانی^{۱۵} نامیده شده است.

مفهوم شاخص توسعه و پیشرفت و مراحل تدوین آن

ورود به عرصه تدوین شاخص‌های توسعه و پیشرفت نیازمند درک مشخصی از مفهوم شاخص و ویژگی‌های آن است. درک مشخص از مفهوم و ویژگی‌های شاخص زمینه را برای ورود به بحث از مراحل تدوین آن فراهم می‌سازد.

مفهوم شاخص توسعه و پیشرفت

در ادبیات اقتصادی، شاخص به نماگری اطلاق می‌شود که برای سنجش متغیرهای اقتصادی از قبیل میزان تولید، تورم، بیکاری، و قیمت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص در مفهوم اقتصادی آن، به طور عمده، معیار ارزیابی کمی به شمار می‌رود. در مباحث اقتصادی، می‌توان میان شاخص‌های وضعیت، شاخص‌های پیش‌بینی، و شاخص‌های

ارزیابی و انتخاب طرح‌های توسعه‌ای تمایز قائل شد.^{۱۶} مراد ما از شاخص، معیاری کمی است که با تمرکز بر پاره‌ای از متغیرهای کلان، وضعیت توسعه و پیشرفت کشورها و مناطق را می‌سنجد.

شاید تمایز میان معیار و شاخص را بتوان این‌گونه مطرح کرد که «معیار» اندازه‌گیری ویژگی‌های موضوع مورد سنجش را به صورتی کلی بیان می‌کند؛ ولی «شاخص» این ویژگی‌ها را به صورت کمی و عملیاتی می‌سنجد. وقتی یک پزشک فردی را معاینه می‌کند و درجه حرارت بدن او را می‌سنجد، درجه حرارت بدن، نماگر، شاخص، و علامتی است که سلامت یا عدم سلامت فرد را نشان می‌دهد. به همین صورت، نماگر امید به زندگی وسیله‌ای است که سطح بهداشت را در چارچوب شاخص توسعه انسانی اندازه‌گیری می‌کند.

در ادبیات توسعه، می‌توان تفاوت دقیقی میان دو اصطلاح **Index** و **Indicators** یافت: واژه اول بیشتر ناظر به معیارهای کلان است که با نوعی وزن‌دهی، به نماگری واحد تبدیل می‌شوند؛ ولی واژه دوم به نماگرهای متعددی اشاره می‌کند که الزاماً به نماگری واحد با مقیاس یکسان تبدیل نمی‌شوند. مزیت شاخص‌های کلان و یک‌پارچه آن است که به راحتی قابلیت مقایسه را فراهم می‌سازند.^{۱۷}

جدول ۱: رویکردهای دوگانه در ارزیابی توسعه و پیشرفت

مفهوم	رویکرد شاخص توسعه Index	رویکرد نماگرهای توسعه Indicators
مزایا	یک‌پارچگی، سهولت مقایسه، تأثیرگذاری سیاستی	مجموعه‌ای از نماگرهای متفاوت توسعه و پیشرفت
معایب	ساده‌سازی، مشکل وزن‌دهی	شمول، درگیر نشدن در کنی‌سازی افراطی
نمونه(ها):	شاخص توسعه انسانی ^{۱۸} : مشتمل بر نماگرهای درآمد، آموزش و بهداشت؛ شاخص کیفیت زندگی ^{۱۹} : مشتمل بر نماگرهای قدرت خرید، بی‌خانمانی، تأمین نیازهای اساسی، نرخ خودکشی و بی‌سوادی، تضییع حقوق افراد و تخریب جنگل؛ شاخص پیشرفت اجتماعی ^{۲۰} : مشتمل بر نماگرهای آموزش، بهداشت، وضعیت زنان، توان دفاعی، وضعیت اقتصادی، و جغرافیایی، مشارکت سیاسی، تنوع فرهنگی، میزان رفاه ^{۲۱}	نماگرهای توسعه سازمان ملل متحد ^{۲۲} : مشتمل بر نماگرهای توسعه روستایی، شهری، اجتماعی، بهداشت، زیربنایها، خدمات کارآمد، حمایت اجتماعی، سیاست‌گذاری اقتصادی و... فقر، تحصیلات، انرژی و تمدن، بخش خصوصی، محیط زیست، علم و فناوری، بخش مالی

تفاوت میان نماگر و شاخص توسعه را می‌توان با اشاره به دو نوع آمار تولیدی توضیح داد که نهادهای تحت نظارت سازمان ملل ارائه کرده‌اند. بانک جهانی هر ساله مجموعه‌ای از هشتصد نماگر گسسته توسعه را برای همه کشورهای جهان محاسبه و منتشر می‌کند.

تفاوت این نماگرها با شاخص توسعه انسانی این است که دومی معیاری یکپارچه و اولی مجموعه‌ای پراکنده از معیارهای توسعه‌یافتگی را ارائه می‌دهند. برای جلوگیری از خلط این دو شاخص، نماگر را به عنوان معادل Indicators و شاخص را به عنوان معادل Index برمی‌گزینیم.

آندرو شارب (۱۹۹۹)، با اشاره به تفاوت مفهومی میان نماگر و شاخص، دو رویکرد مختلف در تدوین معرف‌ها و نشانگرهای رفاه را از یکدیگر تفکیک می‌کند. برخی معتقدند که برای سنجش میزان رفاه جامعه باید مجموعه‌ای از نماگرها^{۳۳} را مورد محاسبه قرار داد. در مقابل، عده‌ای نیز تلاش می‌کنند که با ترکیب این نماگرها، به نشانگر واحد یا شاخص^{۳۴} دست یابند. هرچند این اختلاف نظر در حوزه اندازه‌گیری رفاه مطرح شده است، توجه به دلایل دو طرف می‌تواند ما را در تدوین نشانگرهای توسعه یاری دهد.

ون دی ونت و همکاران (۱۹۹۹)، دلایل زیر را بر موجه نبودن ارائه شاخص یکپارچه برای رفاه به دست می‌دهند:

۱. رفاه پدیده‌ای چندبعدی است؛ این ابعاد دارای مقیاس‌های سنجش متفاوتی هستند که نمی‌توان آنها را به مقیاس واحدی تبدیل کرد.
 ۲. بسیاری از جنبه‌های رفاه، در دنیای واقع، قیمت‌پذیر نیستند؛ از این‌رو، نمی‌توان برای آنها ارزش پولی معین کرد.
 ۳. نماگر واحد از رفاه نمی‌تواند جلوه‌های مختلف سیاست‌گذاری را نشان دهد.
 ۴. در ارائه نماگر واحد، ما مجبور به وزن دادن به زیرنماگرها هستیم. از آنجا که وزن دادن عینی^{۳۵} به اهداف اجتماعی امکان‌پذیر نیست، وزن‌دهی عمدتاً باید به صورت ذهنی^{۳۶} صورت گیرد که این امر وظیفه سیاست‌مداران به عنوان نمایندگان جامعه است. اگر ما نماگرهای متعدد ارائه دهیم، سیاست‌مداران خود می‌توانند به آنها وزن دهند.
 ۵. وزن‌دهی ذهنی ممکن است خطراتی را به دنبال داشته باشد، زیرا با آوردن وزن‌های ذهنی عینی^{۳۷} و استقلال^{۳۸} در محاسبات آماری مخدوش می‌شود.^{۳۹}
- ون دی ونت و همکاران (۱۹۹۹)، به جای پیشنهاد شاخص واحد، سیستمی از اطلاعات را پیشنهاد می‌کنند که علاوه بر ارائه اطلاعات نماگرهای پراکنده، ارتباط بین مؤلفه‌های رفاه را در ماتریسی منعکس کند. این سیستم محاسبه اقتصادی و اجتماعی،^{۳۰} که در هلند اجرایی

شد، مجموعه‌ای از اطلاعات نظام‌مند را در ماتریسی از نماگرهای کلان، برای جنبه‌های مختلف رفاه، محاسبه می‌کند. در این سیستم، هر نماگر بر اساس نظام واحدی از اطلاعات آماری اندازه‌گیری می‌شود و برای این کار، از واحد اندازه‌گیری مناسب هر پدیده استفاده به عمل می‌آید.^{۳۱}

برخلاف طرف‌داران دیدگاه نماگرهای غیرمنسجم، طرف‌داران شاخص رفاه معتقدند که رویکردشان مکمل و نه جایگزین رویکرد رقیب است. از نظر آنان، رفاه پدیده‌ای چندبعدی به شمار می‌رود که ارائه شاخص واحد از آن دشوار است؛ ولی این کار به دلایلی چند ممکن و مفید است: اول، تجمع نماگرها به عنوان بخشی از یک رویکرد علمی برای فهم واقعیت ضروری است؛ دوم، گرچه ارزش‌گذاری بازاری واقعیت‌های دارای ارزش غیربازاری مشکل است، می‌توان این ارزش‌ها را به گونه‌ای تقریب زد؛ سوم، سنجش شاخص رفاه با استفاده از روندها^{۳۲} امکان‌پذیر است.^{۳۳}

از نظر طرف‌داران ارائه شاخص یک‌پارچه، تجمع زیر نماگرها نیازمند وزن‌دهی آنها بر اساس معیارهای ذهنی و نه عینی است؛ ولی می‌توان به گونه‌ای به سمت عینیت پیش رفت. آنان معتقدند: بهترین راه، ایجاد نهادهای آماری غیردولتی است که با وزن‌دهی به زیرنماگرها، افکار عمومی و سیاست‌مداران را به چالش بکشند تا زمینه ففاق در وزن‌دهی فراهم شود. این نهادها با توجه به جهان‌بینی^{۳۴} و دیدگاه‌های خود، به شاخص‌ها وزن می‌دهند و شاخص‌های مختصر^{۳۵} از رفاه را ارائه می‌کنند. این وزن‌دهی ممکن است در چارچوب نظام‌های دموکراتیک چالش‌هایی به وجود آورد؛ ولی فایده اصلی این شاخص‌های منفرد رفاه آن است که عموم مردم را به روندهای اجتماعی حساس می‌کنند. بدیهی است که این شاخص‌ها منعکس‌کننده ارزش‌های تدوین‌کنندگان‌شان می‌باشند، ولی شفاف بودن و روشن بودن این ارزش‌ها می‌تواند از این مشکل بکاهد و زمینه ارزیابی را فراهم نماید.^{۳۶}

شایان ذکر است که مشکلات شاخص‌های منفرد، به طور عمده، در فضای گفت‌مانی لیبرال - دموکراسی و در چارچوب الگوی توسعه در اقتصاد متعارف مطرح می‌شود. در فضای الگوی اسلامی پیشرفت، که بر اساس مبانی اسلامی طراحی می‌شود، ملاک وزن‌دهی را می‌توان از درون متون دینی و بر اساس میزان تأکیدات خالق انسان‌ها کشف نمود. در

مورد اولویت‌های بومی نیز می‌توان به گونه‌ای به کشف آنها در فضای جامعه اسلامی همت گمارد. در ادامه مقاله حاضر، هنگام بحث از یک‌پارچه‌سازی زیر نماگرها، به قابلیت‌های وزن‌دهی در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت خواهیم پرداخت.

ویژگی‌های شاخص توسعه و پیشرفت

همان‌گونه که گفته شد، ارائه شاخص توسعه و پیشرفت و زیرنماگرهای آن دشواری‌های خاص خود را دارد. از این‌رو، برای تدوین زیرنماگرهای پیشرفت اسلامی (و یک‌پارچه‌سازی آنها در قالب شاخص توسعه و پیشرفت)، باید به ویژگی‌های آنها توجه کرد. در این چارچوب، شاخص توسعه و پیشرفت (به مفهوم نماگر واحد)، و همچنین زیرنماگرهای مولد آن، باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند:

۱. قابلیت محاسبه و کمی شدن نماگرها؛
۲. موجود بودن اطلاعات موردنیاز برای محاسبه نماگرها؛
۳. مشخص بودن واحد سنجش نماگرها؛
۴. صرفه اقتصادی در محاسبه نماگرها؛
۵. وابسته نبودن نماگرها به مقیاس اندازه‌گیری.

در توضیح معیار اخیر، باید گفت که تبدیل نماگرهای توسعه به شاخص واحد توسعه نیازمند ایجاد وحدت رویه در مقیاس‌های اندازه‌گیری یا وابسته نکردن آنها به مقیاس اندازه‌گیری می‌باشد. تدوین نماگر بر اساس درصد، و تعیین رقم آن بین عدد صفر و یک، گزینه‌ای مناسب برای دست‌یابی به این هدف است. برای نمونه، در محاسبه نماگر توانمندی بهداشتی در شاخص توسعه انسانی، امید به زندگی همچون صورت کسری در نظر گرفته می‌شود که مخرج آن بالاترین نرخ امید به زندگی ممکن است. با این تقسیم، نسبتی بین صفر و یک به عنوان نماگر توانمندی بهداشتی کشور فرضی به دست می‌آید که نشان می‌دهد این کشور از نظر بهداشتی چه فاصله‌ای با بهترین وضعیت ممکن دارد.

مراحل تدوین شاخص‌های توسعه و پیشرفت

تدوین شاخص‌های توسعه و پیشرفت مشتمل بر سه مرحله مفهوم‌سازی، استخراج معیارهای اساسی و سپس طراحی نماگرهای سنجش آنهاست. مرحله فنی یک‌پارچه‌سازی شاخص‌های طراحی شده را نیز می‌توان به این سه مرحله افزود.

مفهوم‌سازی توسعه یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مراحل تدوین شاخص است. در این چارچوب، ارائه برداشت‌های متفاوت از مفهوم توسعه و اقتضائات آن می‌تواند برنامه‌های تحقیقی متفاوتی در زمینه تدوین شاخص آن ایجاد کند. مراد از مفهوم‌سازی در بحث شاخص‌های توسعه و پیشرفت صرف تعریف توسعه نیست، بلکه مراد ارائه و تدوین نگاه کلی به توسعه و پیشرفت است.

مرحله ارائه معیارهای اساسی برای ارزیابی مفهوم به دست داده شده از توسعه و پیشرفت را نباید با شاخص‌های آن خلط نمود. معیارهای پیشرفت مؤلفه‌ها و ویژگی‌های محوری توسعه‌اند که با استفاده از برخی شاخص‌ها تخمین زده می‌شوند. اگر توانمندی معیشتی افراد کشور فرضی یکی از معیارهای ارزیابی میزان پیشرفت آن کشور باشد، نماگر اندازه‌گیری این معیار روشی است که با آن، میزان این توانمندی را برآورد می‌کنیم؛ بطور مثال، میزان درآمد ملی سرانه را می‌توان برآوردی از معیار توانمندی معیشتی افراد دانست. توجه به این تفکیک جایگاه نقد و بررسی شاخص‌ها را مشخص می‌کند. ممکن است کسی علی‌رغم پذیرش توانمندی معیشتی به عنوان معیار پیشرفت، نماگر درآمد ملی سرانه را گویای این توانمندی نداند و نماگری متفاوت پیشنهاد کند.

در پایان، مرحله یک‌پارچه‌سازی نماگرها مستلزم به کارگیری روش‌های فنی اندازه‌گیری و تدوین شاخص است. در این مرحله، نظریه‌پرداز باید در مورد فن یک‌پارچه‌سازی نماگرها (و همچنین وزن نسبی آنها در شاخص نهایی) تصمیم‌گیری نماید.

مرحله اول: مفهوم‌سازی توسعه و پیشرفت انسانی

سیر تحول مفهومی توسعه و شاخص‌های آن در ادبیات اقتصادی

نگاهی به مباحث توسعه اقتصادی نشان می‌دهد که اندیشمندان اقتصادی همواره در مورد تعریف پیشرفت و راهبردهای آن اختلاف داشته‌اند.^{۳۷} در تعاریف اولیه اقتصاددانان، پیشرفت جوامع انسانی به عنوان رشد سطح محصولات تفسیر شده و راهبرد رسیدن به آن نیز تشویق پس‌انداز و مصرف تلقی گردیده است. در نگرش‌های اخیر نسبت به توسعه از جمله رویکرد توسعه انسانی، آن‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، پیشرفت دستخوش نوعی تحول مفهومی شده و از معنای رشد منابع و امکانات جامعه به معنای افزایش توانمندی فعالان اقتصادی (نیروی انسانی) تغییر یافته است. بر این اساس، جامعه‌ای

پیشرفته تلقی می‌شود که انسان‌های آن آگاه‌تر، سالم‌تر، و پردرآمدتر باشند. این چرخش مفهومی، در سال‌های اخیر، حتی به تعریف توسعه بر اساس عنصر آزادی منجر شده است. آمارتیا سن (برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصادی)، در کتاب خود با عنوان *توسعه به مثابه آزادی*، توسعه را فرایندی می‌داند که موجب افزایش سطح آزادی افراد می‌شود.^{۳۸}

این اختلاف بیانگر آن است که همهٔ انسان‌ها به دنبال تعالی و پیشرفت‌اند، ولی هیچ‌گاه توافق قطعی در مورد مقصد پیش‌رو نداشته‌اند: برخی نقطهٔ موعود را معدن طلا و نقره می‌دانند که با رسیدن به آن، می‌توان از مواهب بهره‌مند شد (الگوهای رشد)؛ گروهی دیگر معتقدند که عبور از سنگلاخ پیشرفت می‌تواند به سلامت، دانش، و ثروت جویندگان گنج بیفزاید (الگوهای توسعهٔ انسانی)؛ برخی نیز معتقدند که هدف دست‌یابی به وضعیتی است که جویندگان گنج در آن احساس آزادی بیشتری کنند (الگوی توسعه به مثابه آزادی). به راستی، پیشرفت چیست: دست‌یابی به مخازن گنج یا پرورش انسان‌های متمول، سالم، و آگاه و یا رسیدن به مرحلهٔ بالاتری از آزادی؟

جدول ۲: رابطه مفهوم‌سازی توسعه و شاخص‌های آن

شاخص‌ها	معیارهای ارزیابی	رویکرد به توسعه
تولید ناخالص ملی	افزایش سطح محصولات	توسعه به عنوان نتیجه
امید به زندگی، نرخ بامواد، و درآمد ملی سرانه	ارتقای توانمندی‌های انسانی (دانش، سلامت، و ثروت)	توسعه به عنوان توانمندی

ضرورت ارائهٔ مفهوم جایگزین توسعه در اقتصاد اسلامی

در ادامهٔ این سیر تحول، می‌توان نگرش اسلامی به توسعه را رویکردی متفاوت به توسعه و پیشرفت قلمداد کرد. بر اساس این رویکرد، جامعهٔ متشکل از انسان‌های آگاه، سالم، و پردرآمد الزاماً پیشرفته نیست؛ بلکه عناصر دانش، سلامت، و ثروت حتی می‌توانند موجب غفلت انسان و در نهایت سقوط تمدن‌های بشری شوند.^{۳۹} در نگرش اسلامی، بعد چهارم پیشرفت خداگونه شدن انسان است. بر این اساس، در جامعهٔ اسلامی، پیشرفت عبارت است از: تربیت افرادی آگاه، سالم، پردرآمد، و خداگونه. عنصر اخیر ابزاری برای حفظ دانش، سلامت و ثروت از مسیر انحراف و انحطاط است. در این تفسیر از توسعه که می‌توان آن را «پیشرفت متعالی» نامید، خداگونه شدن انسان‌ها الزامات خاصی بر دانش، سلامت، و ثروت افراد جامعه وضع می‌کند؛ از آن جمله، توانمندان جامعه - برای

خداگونه‌شدن - باید زکات دانش، سلامت، و ثروت خود را بپردازند تا در پی این عمل داوطلبانه عبادی، به مراتب بالای قرب الهی نائل شوند.

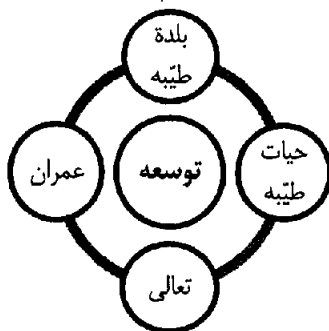
تعریف متفاوت پیشرفت می‌تواند تغییری اساسی در راهبردهای پیشرفت و همچنین نماگرهای سنجش آن ایجاد کند. تعریف پیشرفت متعالی مستلزم به رسمیت شناختن راهبردهایی است که در خدمت بالاترین هدف از اهداف چهارگانه فوق، یعنی «خداگونه شدن» و رسیدن به «حیات طیبه» قرار گیرد. برای نمونه، محوریت مسجد و خانواده در مهندسی فرهنگی جامعه اسلامی راهبردی اساسی برای جهت‌دهی دانش، سلامت، و ثروت انسان در مسیر خداگونه شدن است.

اگر معماری بازار اسلامی، آن‌گونه که در برخی از شهرهای ایران وجود داشته است، بر محور مسجد صورت گیرد و مسجد نقطه ثقل بازار باشد، این نهاد فرهنگی در خدمت پالایش اخلاقی فعالان عرصه کسب‌وکار قرار می‌گیرد.^{۲۲} محوریت خانواده نیز می‌تواند شاخص پیشرفت را متأثر سازد. در شاخص اسلامی پیشرفت، نرخ طلاق عاملی منفی به شمار می‌آید؛ حال آنکه میزان ازدواج و میانگین سال‌های زندگی مشترک عواملی مثبت تلقی می‌شوند.

مفاهیم قرآنی مرتبط با توسعه و پیشرفت

شاید بتوان یکی از نقاط ضعف ادبیات توسعه اسلامی را در فقدان خط سیری مشخص در مفهوم‌شناسی توسعه دانست. متفکران اسلامی، برای ارائه مفهوم توسعه موردنظر اسلام، مسیرهای متفاوتی را انتخاب کرده‌اند. در این راستا، مفاهیمی چون عمران، برکات، حیات طیبه، و بلدة طیبه به عنوان جایگزین اسلامی مفهوم «توسعه» مطرح شده‌اند. برای گزینش مناسب‌ترین مفهوم، به بررسی اجمالی مهم‌ترین واژه‌های پیشنهادی می‌پردازیم:

نمودار ۱: مفاهیم قرآنی توسعه



الف) عمران

برخی معتقدند که در گفتمان قرآنی، «عمران» معادل مفهومی توسعه است. برای نمونه، غلامرضا مصباحی مقدم آیه ۶۱ سوره هود را تأییدکننده این مفهوم از توسعه می‌داند: «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها»؛ خداوند شما را از زمین آفرید و شما را به آبادانی آن گماشت. (هود: ۱۶)

در این آیه، واژه «استعمار» در معنای عمران و آبادانی زمین به کار رفته است. از آنجا که در زبان عربی از آبادانی شهرها با واژه «عمران البلاد» یاد می‌شود، ابن‌خلدون از «علم العمران» یاد می‌کند که بر واژه کنونی «توسعه» قابل تطبیق است.

تأکید بر عمران و آبادانی زمین در روایات معصومان علیهم‌السلام را نیز می‌توان تأییدی بر این دیدگاه قلمداد کرد؛ در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود:^{۴۱}

حضرت علی علیه‌السلام: «خداوند آدم را بر روی زمین آورد تا زمین خدا را با نسل خودش آباد کند.»^{۴۲}

حضرت علی علیه‌السلام در نامه به مالک اشتر، یکی از وظایف والی را عمران بالذ و آبادانی شهرها معرفی نموده است.^{۴۳}

رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «من زمین را به دست امام زمان علیه‌السلام آباد می‌کنم.»^{۴۴}

ب) حیات طیبه

سیدکاظم رجایی (۱۳۷۸)، در مقاله «توسعه به عنوان هدف: نگرش قرآنی»، «حیات طیبه» را به عنوان معادل قرآنی مفهوم «توسعه» معرفی می‌کند. وی، به طور عمده، به آیه ۹۷ سوره نحل استناد می‌جوید: «هرکس - چه مرد و چه زن - عمل صالح انجام دهد و ایمان داشته باشد، ما به او حیات طیبه ارزانی می‌بخشیم.» (نحل: ۹۷)

سیدکاظم رجایی، با استناد به تفاسیر مختلف قرآن، مفاهیم متعددی از حیات طیبه را برمی‌شمارد؛ از جمله: روزی حلال، قناعت به روزی، عبادت همراه با روزی حلال، توفیق بر اطاعت فرمان خدا، و غیره. بنا به استدلال او، قرآن راه رسیدن به زندگی پاکیزه را عمل صالح و شرط آن را ایمان ذکر می‌کند.^{۴۵}

ج) بلدة طیبه

در برخی از آیات قرآن مجید، واژه «بلدة طیبه» (= سرزمین پاک) به عنوان سرزمینی مطلوب و پیشرفته مطرح شده است. آیات ۵۸ اعراف و ۱۵ سباء را می‌توان از این موارد قلمداد کرد:

«و همانا در سرزمین پاکیزه، گیاهان به اذن پروردگار می‌رویند؛ ولی در سرزمین ناپاک، تنها گیاه بی‌ثمر می‌روید.» (اعراف: ۵۸).

«از روزی پروردگارتان استفاده کنید و شکرگزار سرزمین پاکیزه و پروردگار بخشاینده باشید.»^{۴۶}
در برخی آیات نیز وصف طیبه برای خانه‌های بهشتی به کار رفته است:
آنها خانه‌هایی پاکیزه در بهشت جاودان دارند.^{۴۷}

واژه «بلده طیبه» از آن‌رو مهم است که برخی آیات قرآن به تحلیل ویرانی بعضی سرزمین‌های پاک می‌پردازند؛ از آن جمله، می‌توان به نمونه زیر اشاره کرد: «خداوند سرزمینی را مثال می‌زند که ایمن بود. روزی آن، به وفور، از همه جا نازل می‌شد. آنها کفران نعمت خدا را کردند و خداوند، به خاطر اعمالشان، بر آنها لباس گرسنگی و ترس پوشاند. خداوند، از میان خودشان، پیامبری را به سوی آنها فرستاد؛ ولی او را تکذیب کردند و گرفتار عذاب شدند، و آنها ستمکار بودند» (نحل: ۱۱۲ و ۱۱۳).

بر اساس مضمون آیات فوق، اهالی سرزمین پاکیزه را می‌توان با داشتن ایمان، و شکر نعمت‌های الهی، بازشناسی کرد. این سرزمین، از لحاظ اقتصادی، با ویژگی «وفور نعمت» معرفی شده است. این تعبیر که روزی از هر مکانی بر آنها نازل می‌شود، تداعی‌کننده آیه ۹۶ سوره اعراف است که میان ایمان و تقوا و وفور نعمت ارتباط برقرار می‌کند.^{۴۸} سرانجام کفران نعمت، تکذیب فرستادگان الهی، و ظلم موجب سلب نعمت از این قوم شد.

د) تعالی و پیشرفت

در برخی از آیات قرآن مجید، هنگامی که سخن از پیشرفت ملت‌ها و جوامع به میان آمده، جنبه تعالی آنها در پرتو جهان‌بینی توحیدی مطرح شده است. این برداشت را می‌توان از آیاتی که در آنها از خطاب «تعالوا» استفاده شده است، استنباط کرد. این تعبیر در هفت آیه از آیات قرآن مجید مطرح شده است که برای نمونه، به ترتیب، از آیات ۶۴ آل‌عمران، ۶۱ سبأ، ۱۰۴ مائده یاد می‌شود:

ای اهل کتاب، به سوی کلمه مشترک (و تعالی‌بخش) رو آورید؛ اینکه جز خدا کسی را نپرستیم، به او شرک نوزیم، غیر از خداوند کسی را سرپرست خود برنگزینیم. اگر بسدین امر پایبندید، به مسلمان بودن خود شهادت دهید. (آل‌عمران: ۶۴)

هنگامی که از آنها خواسته می‌شود که به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به سوی رسولش، روی آورند (بالا بیابند)، منافقین را می‌بینی که راه تو را می‌بندند (نساء: ۶۱).

هنگامی که از آنها خواسته می‌شود که به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی رسولش بیایند، می‌گویند: آنچه از نیاکانمان به ما رسیده برایمان کافی است. (مائده: ۱۰۴)^{۴۹}

علامه طباطبائی معتقد است: در این آیات، مراد از «تعالوا» صرف آمدن نیست؛ بلکه مراد «بالا آمدن» است.^{۵۰} این برداشت به واسطه تفاوت مفهومی واژه «تعالی» با واژگانی چون «اطلعوا» مطرح شده است.^{۵۱} به نظر آیت‌الله جوادی آملی، این آیات رسالت همه انبیای الهی را مشخص می‌سازد، چراکه از انسان‌ها می‌خواهد که به ندای رسول خدا که در مرتبه بالایی قرار گرفته است، پاسخ دهند و ارتقای رتبه یابند.^{۵۲} این تعبیر در بیان آیت‌الله حسن زاده آملی نیز وارد شده است.^{۵۳}

شاید بتوان برداشت‌های متفاوت از معادل قرآنی توسعه را مکمل یکدیگر انگاشت. هنگامی که خداوند متعال سخن از سرزمین‌های پیشرفته به میان می‌آورد، از واژه «بلده طیبه» (= سرزمین پاک) استفاده می‌کند. و هنگامی که سخن از مردمان این سرزمین است، از اصطلاح «حیات طیبه» استفاده می‌شود. بر این اساس، مردمانی که دارای حیات طیبه‌اند، در بلدة طیبه زندگی می‌کنند. یکی از ویژگی‌های این «بلده طیبه» آن است که عمران و آبادانی به صورتی خارق‌العاده در آن تجلی پیدا می‌کند. در این چارچوب، واژه «تعالی» به بعد انسانی پیشرفت در بلدة طیبه‌ای اشاره دارد که مردمان آن، در پس عمران و آبادانی سرزمینشان، به حیات طیبه دست یافته‌اند.

بر اساس گفتمان قرآنی، مؤلفه‌های اساسی در تعالی (و حرکت به سمت بالا) توحید، ایمان به خدا، پرهیزکاری، و عمل صالح است. بر این اساس، مردمان یک جامعه هنگامی به مرحله تعالی و کمال نزدیک می‌شوند که روحیه خدایاباوری، خداترسی و اطاعت از فرمان‌های الهی در آن جامعه نهادینه شود. این حرکت رو به تکامل، در ابعاد دنیایی، با عمران و وفور نعمت همراه می‌شود.

مرحله دوم: استخراج معیارهای پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی

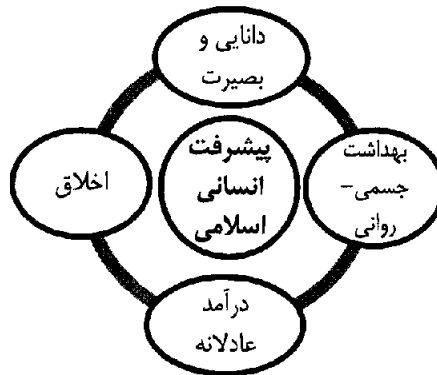
در بخش گذشته، مفهوم تعالی و پیشرفت جوامع و تمدن‌ها با استفاده از کلام وحی تبیین شد. شاید یکی از بهترین راه‌ها برای آگاهی از میزان تعالی یا انحطاط تمدن‌ها مراجعه به خود قرآن باشد. قرآن کفر (عدم ایمان)، تقلید کورکورانه، جهل، فقر، و گناه را عمده‌ترین عوامل انحطاط جوامع و تمدن‌ها شمرده است.^{۵۴}

جدول ۳: علل انحطاط جوامع انسانی و رابطه آن با معیارهای پیشرفت و تعالی

معیارهای پیشرفت	ریشه انسانی انحطاط	علل انحطاط
عدالت در توانمندی‌ها	عدول از عدالت توزیعی	ظلم ^{۶۵}
توانمندی آموزشی (آموزش دین‌محور)	ضعف آموزش	جهل ^{۶۶} ، کفر ^{۶۷} ، تقلید کورکورانه ^{۶۸} ، انکار انبیا ^{۶۹} ، امراض از حق ^{۷۰}
توانمندی درآمدی (درآمد عادلانه)	مشکلات درآمدی	فقر ^{۷۱}
توانمندی اخلاقی	فاصله گرفتن از اخلاق	گناه ^{۷۲} ، فساد ^{۷۳} ، اتراف ^{۷۴} ، ترک امر به معروف ^{۷۵} ، دنیادوستی ^{۷۶}

همان‌گونه که در جدول ۳ نمایش داده شد، توجه به ریشه‌های انسانی انحطاط تمدن‌ها در گفتمان قرآنی به استنباط معیارهای پیشرفت و تعالی ملت‌ها کمک می‌کند. از آنجا که ظلم و عدول از عدالت توزیعی یکی از عوامل اساسی افول تمدن‌ها معرفی شده است، عدالت در توزیع توانمندی‌های آموزشی، بهداشتی، و درآمدی می‌تواند به پیشرفت تمدن‌ها انجامد. با توجه بر تأکید فراوان آیات و روایات بر اهمیت کسب دانش و آگاهی، تقویت توانمندی‌های آموزشی و تربیتی زمینه‌های کفر، تقلید کورکورانه، و جهل را از بین می‌برد و زمینه پیشرفت ملت‌ها را فراهم می‌سازد. در همین راستا، تلاش برای رفع فقر نیز می‌تواند یکی دیگر از زمینه‌های افول تمدن‌ها را برطرف نماید.^{۷۷}

نمودار ۲: معیارهای پیشرفت انسانی اسلامی



با توجه به تأکید بسیار قرآن بر ریشه‌های اخلاقی و دینی افول تمدن‌ها، توانمندی اخلاقی نقشی بی‌بدیل در پیشرفت دارد. توانمندی اخلاقی^{۷۸} افراد جامعه، با کاستن از تنش‌های اجتماعی و ایجاد روحیه جمعی به پیشرفت جامعه کمک می‌نماید. شاید بتوان سنت قرآنی حاکی از ارتباط میان تقوا و گشایش روزی را در چارچوب نقش محوری اخلاق در پیشبرد اهداف اجتماعی تفسیر نمود.^{۷۹} افراد باتقوا خداوند را در همه‌جا ناظر بر رفتار خود

می‌بینند و معتقدند که نتیجه رفتار خوب و بد خود را در روز قیامت خواهند دید. در این حالت، افراد نه تنها به حقوق دیگران احترام می‌گذارند، بلکه تمایل بیشتری به فداکاری برای تحقق اهداف عمومی دارند.^{۷۰}

گرچه در آیات ناظر به افول تمدن‌ها به صورت صریح به اهمیت توانمندی‌های جسمی و روانی در مسیر پیشرفت اشاره نشده است، ولی شواهدی از اهمیت توانمندی‌های جسمی و روانی در آیات و روایات یافت می‌شود؛ از آن جمله، می‌توان به آیات، روایات، و فتاوی‌ای فقهی‌ای اشاره کرد که توجه زیاد اسلام به بهداشت جسمی و روانی را منعکس می‌کنند.^{۷۱} (آیه ۲۴۷ سوره بقره در زمینه قدرت جسمی و علمی طالبوت^{۷۲} و آیه ۲۶ سوره قصص در وصف حضرت موسی علیه السلام).^{۷۳}

با توجه به آنچه گفته شد، توانمندی درآمدی، توانمندی جسمی و روحی، توانمندی فکری، و توانمندی اخلاقی را می‌توان به عنوان چهار عامل مؤثر در پیشرفت ملت‌ها معرفی نمود. این چهار نوع توانمندی انسانی، در تعامل با یکدیگر، افراد را قادر می‌سازند که در مسیر تکامل حرکت کنند و شرایط تکامل و تعالی جامعه را نیز فراهم آورند.

مرحله سوم: طراحی نماگرهای پیشرفت انسانی

در قسمت قبل، چهار توانمندی اخلاقی، بهداشتی، آموزشی، و درآمدی به عنوان معیارهای اساسی پیشرفت انسانی معرفی شد. ما برای سنجش این چهار توانمندی، به گونه‌ای که در جدول ۳ نمایش داده شده است، نماگرهای زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

۱. نماگر بهداشت جسمی و روانی (PMHI)^{۷۴}؛

۲. نماگر آموزش دین‌محور (RIEI)^{۷۵}؛

۳. نماگر درآمد عادلانه (JII)^{۷۶}؛

۴. نماگر اخلاق (MI)^{۷۷}.

طراحی نماگرهای توسعه انسانی در سه بعد درآمد، آموزش، و بهداشت، طراحی نماگرهای پیشرفت انسانی اسلامی را آسان می‌کند. در شاخص توسعه انسانی^{۷۸} این سه نوع توانمندی به ترتیب توسط شاخص امید به زندگی در هنگام تولد^{۷۹} شاخص تحصیلات^{۸۰} (متوسط سال‌های تحصیل در مدرسه و میانگین انتظاری سال‌های تحصیل در مدرسه)، و شاخص درآمد^{۸۱} (درآمد سرانه ناخالص ملی)^{۸۲} اندازه‌گیری می‌شود.^{۸۳} این سه

نماگر را می‌توان با تغییراتی، برای برآورد توانمندی‌های سه‌گانه پیشرفت انسانی اسلامی به کار گرفت.

در شاخص پیشرفت انسانی، نماگر درآمد عادلانه بر اساس قدرت خرید واقعی محاسبه، و در صورت در دسترس بودن آمار، با استفاده از شاخص ضریب جینی تعدیل می‌شود تا اقتضائات توزیع عادلانه درآمد نیز مورد توجه قرار گیرد. ما با اضافه کردن دو زیرنماگر نسبت درآمد دو دهک پایین جامعه به دو دهک بالای جامعه و درصد جمعیت زیر خط فقر، حساسیت‌های توزیع درآمد را به شکل جدی‌تری در نماگر سطح معیشت لحاظ می‌کنیم.

همچنین، سلامت جسمی و روحی افراد با شاخص امید به زندگی، ضریب سلامت روانی (نسبت افراد دارای روان‌پریشی به افراد سالم)، و ضریب پایداری خانواده (متوسط انتظاری دوره زندگی مشترک هنگام ازدواج) محاسبه می‌شود. توانمندی فکری نیز با ترکیبی از شاخص‌های میزان باسوادی، متوسط سال‌های تحصیل، و نرخ باسوادی مذهبی سنجیده می‌شود. نرخ باسوادی مذهبی با استفاده از سرانه مبلغان مذهبی، سرانه تبلیغ دینی در رسانه‌های رسمی و غیررسمی، و سرانه مؤثر مسجد^{۸۴} تقریب زده می‌شود.

جدول ۴: معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی

معیارهای پیشرفت	مفهوم معیار	نماگرها
توانمندی فکری	سطح آموزش و پرورش	نماگر آموزش نرخ باسوادی، سال‌های انتظاری تحصیل، نرخ باسوادی مذهبی
توانمندی بدنی و روانی	سطح بهداشت جسمی و روحی	نماگر بهداشت ضریب امید به زندگی در هنگام تولد، ضریب سلامت روانی، ضریب پایداری خانواده
توانمندی معیشتی	سطح رفاه و برخورداری از امکانات	نماگر سطح زندگی درآمد ناخالصی، هزینه معیشت، یا ضریب جینی، هزینه معیشت زیر خط فقر، نسبت درآمد دو دهک پایین به دو دهک بالا
توانمندی اخلاقی	سطح نهاد اخلاقی	نماگر اخلاق اجتماعی نماگر جرایم اجتماعی، نماگر خیرخواهی اجتماعی

مشکل اساسی ما، در ارائه نماگری برای اندازه‌گیری توانمندی اخلاقی است. با توجه به کیفی بودن این مقوله، ارائه معیاری برای اندازه‌گیری میزان آن بسیار مشکل است. این توانمندی را می‌توان با استفاده از زیرنماگرهای جرایم و خیرخواهی اجتماعی تقریب زد. از آنجا که تقویت فضیلت‌ها و تضعیف رذیلت‌های اخلاقی در جامعه به کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش خیرخواهی اجتماعی می‌انجامد، توانمندی اخلاقی در جهت

معکوس (با استفاده از نماگر جرایم اجتماعی)، و در جهت مستقیم (با استفاده از نماگر خیرخواهی اجتماعی) سنجیده می‌شود. نماگر جرایم اجتماعی با در نظر گرفتن نسبت‌هایی چون سرانه جرایم اجتماعی، میانگین جریمه‌های مالی، و متوسط دوران سپری‌شده در زندان قابل محاسبه است. نماگر خیرخواهی اجتماعی با استفاده از نسبت‌هایی چون ضریب پرداخت واجبات مالی (نسبت زکات و خمس پرداختی به زکات و خمس بالقوه)، سرانه صدقات و تبرعات، و ضریب حفظ محیط زیست (میزان انتشار گاز دی‌اکسید کربن و متوسط سالانه تخریب جنگل‌ها و مراتع) سنجیده می‌شود.^{۸۵}

مرحله چهارم: یک‌پارچه‌سازی نماگرها و تدوین شاخص پیشرفت انسانی

یک‌پارچه‌سازی نماگرهای پیشرفت انسانی نیازمند تصمیم‌گیری در دو زمینه است: اول، فن یک‌پارچه‌سازی نماگرها؛ دوم، چگونگی وزن‌دهی به آنها. تصمیم در مورد وزن‌دهی توانمندی‌های چهارگانه ممکن است فن یک‌پارچه‌سازی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اگر ما به تبعیت از روش یک‌پارچه‌سازی شاخص توسعه انسانی به هریک از توانمندی‌های آموزشی، بهداشتی، درآمدی، و اخلاقی وزن‌های مساوی بدهیم، شاخص ترکیبی پیشرفت انسانی (HPI)^{۸۶} را با استفاده از میانگین هندسی به صورت زیر محاسبه خواهیم کرد:^{۸۷}

$$HPI = \sqrt[4]{PMHI * RIEI * JII * MI}$$

با توجه به برداشت‌های قرآنی از تعامل معیارهای چهارگانه تعالی انسان، شاخص اخلاق در بالاترین مرتبه قرار می‌گیرد. رتبه‌های بعدی به شاخص‌های آموزش، سلامت، و درآمد اختصاص دارد. بر این اساس، شاخص ساده توسعه و پیشرفت را می‌توان با اختصاص ضرایب λ_1 ، λ_2 ، λ_3 و λ_4 به هریک از نماگرهای اخلاق، آموزش، بهداشت، و درآمد به صورت زیر محاسبه کرد:

$$HPI = \lambda_1 PMHI + \lambda_2 RIEI + \lambda_3 JI + \lambda_4 MI ;$$

$$\lambda_1 + \lambda_2 + \lambda_3 + \lambda_4 = 1$$

تعیین میزان λ ها، در این فرمول، یکی از دشواری‌های پیش‌رو در تدوین شاخص پیشرفت است. با توجه به وابستگی معیارهای چهارگانه توانمندی به ارزش‌گذاری دینی، اهمیت نسبی آنها را می‌توان با مراجعه به آیات قرآن مجید و روایات معصومان علیهم‌السلام مشخص نمود.

از آنجا که مقاله حاضر بر مباحث روشی تمرکز دارد، نمی‌توان این شیوه را در چارچوب آن به کار گرفت. نمونه‌ای از چگونگی استناد به منابع دینی برای وزن‌دهی توانمندی‌های چهارگانه، در جدول ۴، نمایش داده شده است.

جدول ۵: وزن‌دهی نماگرهای پیشرفت انسانی بر اساس منابع دینی

نماگرها	اهمیت مطلق	اهمیت نسبی
توانمندی اخلاقی	قرآن مجید: همانا اگر این زمین همان آفریده و خلق شده است، برکات زمین و آسمان را می‌خواهید پس از ما بگردانید؟ ^۱	امام علی ^{علیه السلام} : فقر مصیبت و بلای عظیمی است، ولی مصیبت‌بارتر از آن بیماری بدن است؛ جان‌کاه‌تر از بیماری بدن، مریضی قلب است. همانا توانمندی مالی نعمت است و برتر از آن، صحت بدن است و برتر از صحت بدن، تقوای قلب است. ^۲
توانمندی فکری	قرآن مجید: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟ ^۳ فراگیری دانش بر همه مسلمانان واجب است. ^۴	برتر از آن، صحت بدن است و برتر از صحت بدن، تقوای قلب است. ^۵
توانمندی بدنی	رسول اکرم ^{صلی الله علیه و آله} : پاک‌ترین چیزی از ایمان است: سلامتی بدن و درگیرترین عیب است: بیماری جسمانی. ^۶	سلامت دین مهم‌تر از صحت بدن، و صحت بدن مهم‌تر از مال است. ^۷
توانمندی معیشتی	رسول اکرم ^{صلی الله علیه و آله} : فقر می‌تواند به کفر بینجامد. ^۸	

منبع: یافته‌های تحقیق

روایت امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام}، در جدول ۵، نشان می‌دهد که در میان توانمندی‌های چهارگانه، توانمندی اخلاقی از بالاترین میزان تأثیرگذاری در دست‌یابی به پیشرفت انسانی برخوردار است. رتبه‌های بعدی - به ترتیب - به توانمندی‌های فکری، بهداشتی، و معیشتی اختصاص دارد. این رتبه‌بندی توانمندی‌های چهارگانه به معنای تعیین ضرایب عددی موردنظر (λها) نیست؛ ولی می‌توان تقریب‌هایی هم برای آنها در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

تدوین شاخص پیشرفت انسانی اسلامی نیازمند عبور از چهار مرحله مفهوم‌سازی، تدوین معیارها، طراحی نماگرها و یک‌پارچه‌سازی آنهاست. بنا به فرضیه مقاله حاضر، مفهوم‌سازی توسعه انسانی بر اساس گفت‌مان قرآنی می‌تواند در معیارها، نماگرها و شاخص ارزیابی آنها تغییر ایجاد کند.

متفکران اسلامی، در مرحله مفهوم‌سازی توسعه در نگرش اسلامی، مفاهیمی چون «عمران»، «حیات طیبه»، و «بلده طیبه»، را ارائه نموده‌اند. این مفاهیم را می‌توان در قالب مفهوم عام‌تر تعالی و پیشرفت و یا پیشرفت تجمیع کرد. استفاده از مفهوم تعالی و پیشرفت از آن جهت اهمیت دارد که ما را قادر می‌سازد، با مراجعه به آیات قرآن مجید، معیارهای

پیشرفت و انحطاط تمدن‌های اسلامی را استخراج کنیم. این مفهوم متعالی از توسعه را می‌توان پیشرفت انسانی اسلامی یا پیشرفت انسانی نامید.

بر اساس گفتمان قرآنی، انحطاط تمدن‌ها متأثر از عواملی چون ظلم، کفر، تقلید کورکورانه، جهل، فقر، و گناه است. این عوامل را می‌توان در چارچوب ایده توانمندی انسانی - در قالب مشکلات درآمدی، فکری، جسمی، و اخلاقی جوامع انسانی - طبقه‌بندی کرد. بر این اساس، توانمندی اخلاقی، توانمندی فکری، توانمندی جسمی، و توانمندی درآمدی به ترتیب معیارهای اساسی تعالی و پیشرفت انسانی را در گفتمان قرآنی تشکیل می‌دهند.

برای سنجش میزان توانمندی‌های چهارگانه، می‌توان نماگرهای اخلاق، آموزش دین‌محور، بهداشت جسمی، و درآمد عادلانه را مطرح نمود. نماگرهای سه‌گانه اخیر، به طور عمده، مشابه زیرشاخص‌های توسعه انسانی هستند که با توجه به عواملی چون عدالت، آموزش دینی، و بهداشت روانی، تعدیل شده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نماگر اخلاق با استفاده از دو زیرنماگر میزان جرایم اجتماعی و خیرخواهی اجتماعی تقریب زده می‌شود.

در مرحله یک‌پارچه‌سازی شاخص پیشرفت انسانی، دو روش وزن‌دهی یکسان (و استفاده از میانگین هندسی)، و وزن‌دهی متفاوت (و استفاده از میانگین وزنی) کارایی دارند. در حالت اخیر، وزن‌های توانمندی‌های چهارگانه با توجه به ضریب اهمیت هر یک در کلام وحی تعیین می‌شود. بر اساس رتبه‌بندی‌ای که قبلاً ارائه شد، توانمندی اخلاقی در صدر فهرست ما قرار می‌گیرد؛ رتبه‌های بعدی به توانمندی فکری، توانمندی جسمی، و توانمندی درآمدی اختصاص دارد. ما هنوز با مسئله‌ای اساسی مواجهیم: به هر یک از این چهار بعد توانمندی، چه ضریبی اختصاص بدهیم؟ تحقیقات بعدی می‌تواند این مسئله را بررسی، و زمینه محاسبه کمی شاخص‌های توسعه و پیشرفت اسلامی را فراهم کند.

پی‌نوشت‌ها

1. Gross National Product: GNP
2. Growth
3. Development
4. Human Development
5. See United Nations Development Programme, Human Development Reports 1999-2010.
۶. بانک جهانی هر سال ۴۲۰ نماگر توسعه را برای ۲۰۹ کشور جهان محاسبه می‌کند. این نماگرها در محورهای کلی توسعه کشاورزی و روستایی، زیربناها، خدمات کارآمد، حمایت اجتماعی کارگری، سیاست‌گذاری اقتصادی، فقر، تحصیلات، انرژی و معدن، بخش خصوصی، محیط زیست، علم و فناوری، بخش مالی، توسعه اجتماعی، بهداشت، و توسعه شهری ارائه می‌شوند. رک: <http://data.worldbank.org/indicator>
7. Amartya Sen
8. Mahbub ul Haq
9. Capability Approach
10. Sakiko, Fukuda-Parr, *The Human Development Paradigm: Operationalizing Sen's ideas on capabilities Feminist Economics*, v 9(2-3), 2003, p 301-317; United Nations Development Programme, *Human Development Report 1999*.
۱۱. محمدجمال خلیلیان اشکذری، «شاخص‌های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۸، ص ۶۸؛ محمد جمال خلیلیان اشکذری، *شاخص‌های توسعه از دیدگاه اسلام*، ۱۳۸۴.
۱۲. شاخص دین با توجه به میزان نفوذ مذهب در دولت؛ حضور احزاب، یا گروه‌های فشار سیاسی با انگیزه‌های مذهبی و نفوذ مذهب در قانون اساسی آن کشور اندازه‌گیری شده است.
۱۳. شاخص پیشنهادی توسعه اخلاقی، از مشکلاتی چون پراکندگی و گسستگی معیارهای پنج‌گانه توسعه و استفاده از شاخص‌های غیر کارا همانند نرخ باورری در سنجش ارزش خانوادگی و یا شکل ظاهری نفوذ دین در حکومت به عنوان شاخص نفوذ مذهبی رنج می‌برد.
۱۴. در رویکرد توانمندی علاوه بر توجه به کارکردها و نتایج که تنها عامل مورد توجه در رویکرد مطلوبیت‌گرایانه است به قابلیت‌ها هم توجه می‌شود.
15. Human Progress Index (HPI)
۱۶. حسین آسایش، «کاربرد شاخص‌ها در سنجش توسعه روستایی»، *جهاد*، ش ۲۵۴، ص ۳۵.
17. Andrew Sharpe, *A Survey of Indicators of Economic and Social Well-being*, p 44-46.
18. Human Development Index (HDI)
19. Quality of Life Index (QLI)
20. Index of Social Progress (ISP)
21. Andrew Sharpe, *Ibid*, p 27-33.
22. World Development Indicators (WDI)
23. Indicators
24. Index
25. Objective
26. Subjective
27. Objectivity
28. Independence
29. Van de Ven et al., *Measuring Well-being with an Integrated System of Economic and Social Accounts*, p 8.
30. System of Economic and Social Accounting including extensions (SESAME)
31. Andrew Sharpe, *Ibid*, p 45.
32. Trends
33. *Ibid*, p 46.
34. Worldviews
35. Summary indexes
36. *Ibid*, p 47.

۳۷. گوستاو استوا، توسعه، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ویراسته فرانس ولفگانگ، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی؛ دایانا هانت، نظریه های اقتصاد توسعه، تحلیلی از الگوهای رقیب، ترجمه غلام رضا آزاد ارمکی؛ ریچارد لومفرت، راه های گوناگون توسعه، ترجمه احمد مجتهد؛ دانیل همبرگ، الگوهای رشد اقتصادی، ترجمه مهدی تقوی؛ کنت گرین، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین زاغفر و محمد حسین هاشمی.
۳۸. ر.ک: Amartya Kumar, Sen, *Development as Freedom*, 282-98؛ محمدجواد توکلی، «امکان پذیری الگوی متمایز اسلامی ایرانی پیشرفت»، اولین همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۸۹.
۳۹. در این زمینه می توان شواهدی از آیات قرآن از جمله آیات ۲۷ شوری، ۳۴ و ۳۵ سبأ و ۲۱ نوح یافت؛ ر.ک: رجایی و همکاران، معجم آیات اقتصادی قرآن مجید، ص ۴۷-۴۶.
۴۰. توکلی، محمد جواد، «درآمدی بر امکان پذیری الگوی متمایز اسلامی ایرانی پیشرفت»، اولین همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۱۳۸۹، در حال انتشار.
۴۱. غلامرضا مصباحی مقدم، «مفهوم توسعه در قرآن و حدیث»، مجله دانشگاه اسلامی، ش ۲، ص ۳-۸.
۴۲. نهج البلاغه، خطبه اول.
۴۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۴۴. محمدباقر مجلسی، بهار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۴۱.
۴۵. سیدمحمدکاظم رجایی، «توسعه به عنوان هدف، نگرش قرآنی»، معرفت، ش ۲۸، ص ۳۳.
۴۶. سبأ: ۱۵.
۴۷. توبه: ۷۲، صف: ۱۲.
۴۸. اعراف: ۹۶.
۴۹. عنوان تعالوا در آیات ۶۱ و ۱۶۷ آل عمران، ۶۱ نساء، ۱۵۱ انعام و ۵ منافقون هم آمده است.
۵۰. ر.ک: محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، تفسیر آیه ۶۱ سوره نساء.
۵۱. در ادبیات فصیح عرب، اگر کسی مثلاً در دامنه کوه است و بخواهد دیگری را امر کند که به قلّه کوه بالا برود، به او می گوید: «إطلع» - یعنی بالا برو و اگر آن کس در قلّه کوه است و دیگری در دامنه کوه و بخواهد او را امر کند که به قلّه کوه بیا به او می گوید: «تعال» - یعنی بالا بیا - که مشتق از «علو» است. (علیرضا سفری، «وحی در آیین قرآن، عرفان و برهان»، بیانات، ش ۴۳، ص ۹۶).
۵۲. همان، ص ۹۶-۹۵.
۵۳. حسن حسن زاده آملی، لزوم تمسک به علوم علوی در نهج البلاغه.
۵۴. رکن الدینی، سیدحسین، علل انحطاط و سقوط جوامع از دیدگاه قرآن، ص ۱۸۱-۹۹؛ محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن؛ احمدعلی قانع عزآبادی، علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن، ص ۱۸۰-۱۳۱.
۵۵. قصص: ۵۹؛ انعام: ۴۷؛ اعراف: ۵-۴؛ عنکبوت: ۱۴؛ ابراهیم: ۲۹-۲۴؛ انبیاء: ۱۳-۱۲.
۵۶. ر.ک: نمل: ۵۵؛ هود: ۷۸ و ۷۹؛ عبدالواحد تمیمی آمدی، فخر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴.
۵۷. سبأ: ۳۴.

<http://balaghah.net/nahj-htrm/far/id/maghaleh/ali/14.htm>

۵۸. بقره: ۱۷؛ زخرف: ۲۴؛ مائده: ۱۰۴؛ اعراف: ۲۸؛ انبیاء: ۵۳؛ زخرف: ۲۲.
۵۹. شعراء: ۱۸۶؛ ص: ۴؛ هود: ۲۷؛ اعراف: ۶۴ و ۶۶.
۶۰. اعراف: ۹۶؛ روم: ۴۱؛ نساء: ۱۶.
۶۱. بقره: ۲۶۸؛ توبه: ۲۸؛ آل عمران: ۱۱۲؛ زخرف: ۳۳-۳۴؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ عبدالواحد تیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۱۸؛ همان.
۶۲. غافر: ۲۱، احزاب: ۶۳؛ اعراف: ۱۰۰؛ امام باقر: هرگاه قومی به گناهان مبتلا می‌شود، خداوند بارانی را که برای آنها مقدر شده بود را به سمت اقوام دیگر می‌فرستد (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۴۰۲).
۶۳. جاثیه: ۲۳؛ مریم: ۵۹؛ شعراء: ۱۷۳-۱۶۰.
۶۴. اسراء: ۱۶؛ سبأ: ۳۴؛ قصص: ۵۸.
۶۵. مائده: ۷۸ و ۷۹؛ آل عمران: ۱۰۴.
۶۶. نازعات: ۳۸-۳۷؛ نجم: ۲۹.
۶۷. برخی از روایات فقر و مشکلات درآمدی را زمینه انحطاط افراد جامعه تلقی می‌کند. سطح پایین توانمندی معیشتی بر اساس مفاد برخی روایات حتی می‌تواند توانمندی‌های اخلاقی افراد را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد و انسان را به ورطه کفر بکشاند.

68. Moral capabilities

۶۹. اعراف: ۹۶.
۷۰. آیه ۳۳ زخرف را نیز می‌توان به عنوان موبد ذکر کرد.
۷۱. ر.ک: محمد ابن حسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، کتاب الطهاره؛ مولی محسن کاشانی، محجبه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، کتاب اسرار الطهاره.
۷۲. بقره: ۱۴۷.
۷۳. قصص: ۲۶.

74. Physical and Mental Health Indicator

75. Religion Inspired Education Indicator

76. Income Indicator

77. Morality Indicator

۷۸. در این فرمول‌بندی که در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰ سازمان ملل متحد وارد شده، تغییراتی در چگونگی محاسبه شاخص توسعه انسانی ایجاد شده است. به‌طور نمونه در محاسبات قبلی شاخص آموزش با توجه نرخ باسوادی (با وزن دو سوم) و نسبت ثبت نام در دوره‌های ابتدایی، متوسطه (وزن یک سوم) محاسبه می‌شد که در فرمول جدید به گونه دیگری محاسبه می‌شود.

79. Life expectancy Index

80. Education Index

81. Income Index

82. Per-capita GNI (as an indicator of standard of living or income

۸۳. بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰، شاخص توسعه انسانی بر اساس فرمول‌بندی زیر محاسبه

می‌شود:

$$1. \text{ Life Expectancy Index (LEI)} = \frac{LE-20}{83.2-20}$$

$$2. \text{ Education Index (EI)} = \frac{\sqrt{MYSI * EYSI} - 0}{0.951 - 0}$$

$$2.1 \text{ Mean Years of Schooling Index (MYSI)} = \frac{MYS - 0}{13.2 - 0}$$

$$2.2 \text{ Expected Years of Schooling Index (EYSI)} = \frac{EYS - 0}{20.6 - 0}$$

$$3. \text{ Income Index (II)} = \frac{\ln(GNIpc) - \ln(163)}{\ln(108211) - \ln(163)}$$

۸۴. سرانه موثر مسجد نماگری است که میزان دسترسی به مسجد را اندازه گیری می کند. ما با اضافه کردن عنوان موثر به این نکته اشاره داریم که محاسبه سرانه ساده نمی تواند نماگر مناسبی باشد و باید این امر به صورت منطقه ای محاسبه شود.

۸۵. در بسیاری از آیه های قرآن مجید هنگامی که سخن از بلده طیبه و حیات طیبه می شود بر چند امر تاکید می شود: برپایی نماز، پرداخت زکات، در جنبه منفی، قرآن به شدت از ربا و کم فروشی و فساد در زمین نهی کرده است. از آن جمله می توان به این آیات اشاره کرد: نمل: ۳؛ نور: ۵۶؛ احزاب: ۳۳؛ فصلت: ۷؛ بینه: ۵؛ مزمل: ۲۰؛ بقره: ۱۷۷؛ مائده: ۱۲؛ توبه: ۱۸؛ مریم: ۳۱ و ۵۵.

86. Human Progress Index (HPI)

$$87. HDI = \sqrt[3]{LEI * EI * II}$$

۸۸. رک: پبی نوشت ۵۳.

۸۹. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ح ۱۴۳.

۹۰. شیخ کلینی، اصول الکافی، ج ۲، ص ۲۱۵.

۹۱. زم: ۹.

۹۲. شیخ کلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۳۰.

۹۳. مولی محسن فیض کاشانی، محجبه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۱، ص ۲۸۱.

۹۴. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمدی علی انصاری قمی، ج ۱، ص ۴۸۳.

۹۵. قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۱۱۳.

۹۶. کاد الفقر ان یكون کفرا. این حدیث از پیامبر اکرم ﷺ و امام صادق ؑ روایت شده است: زک: محمد رضا،

محمد و علی حکیمی، الحیاة (عربی)، ج ۴، ص ۳۰۸-۹.

منابع

۱. در، همایون، ف. آبتینی، سعیده، «شاخص توسعه انسانی اخلاقی کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)»، ۲۰۰۲، ترجمه ناصر جهانپایان، *توسعه اسلامی*، تابستان ۱۳۸۲، ش ۱۰، ص ۱۴۰-۱۲۵.
- پائیز ۱۳۸۲، ش ۱۱، ص ۱۳۴-۱۱۷.
- ابراهیمی، اسماعیل، *حیات طیبه در قرآن و نهج البلاغه*، تهران، آیین احمد، ۱۳۸۸.
- استوا، گوستاو، *توسعه، نگاهی نو به مفاهیم توسعه*، ویراسته فرانس ولفگانگ، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران، مرکز، ۱۳۷۷.
- آسایش، حسین، «کاربرد شاخص‌ها در سنجش توسعه روستایی»، *جهاد*، ش ۲۵۴، آذر و دی ۱۳۸۱، ص ۳۹-۳۳.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، *غرر الحکم و درر الکلم*، ترجمه محمدی علی انصاری قمی، قم، دارالکتاب، بی‌تا.
- توکلی، محمد جواد و همکاران، *طرح تحقیقاتی بسته کشاورزی، منابع طبیعی و توسعه روستایی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران*، قم، موسسه تحقیقاتی قدر، ۱۳۸۸.
- توکلی، محمد جواد، «امکان پذیری الگوی متمایز اسلامی ایرانی پیشرفت»، *اولین همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، ۱۳۸۹، در حال انتشار.
- «درآمدی بر فلسفه اخلاق تجارت با رویکرد اسلامی»، *معرفت اقتصادی*، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۳۱-۷.
- جوادی آملی، عبدالله، *حیات حقیقی انسان در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن*، قم، اسراء، ۱۳۸۲.
- حر عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۳ ق.
- حسن زاده آملی، حسن، *لزوم تمسک به علوم علوی در نهج البلاغه*، <http://balaghah.net/nahj-hm/far/id/maghaleh/ali/14.Htm>، مراجعه: ۱۳۹۰/۲/۵.
- حکیمی، محمدرضا و همکاران، *الحیة، قم، الدار الاسلامیه*، ۱۳۶۸.
- خان‌محمدی، کریم، «مفهوم‌شناسی توسعه و موانع آن از نگاه قرآن مجید»، *الاهیات اجتماعی*، ش ۱، ۱۳۸۸، ص ۹۲-۶۹.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله، «توسعه انسانی از دیدگاه اسلام»، *معرفت*، ش ۴۹، دی ۱۳۸۰، ص ۱۲۰-۱۰۷.
- خلیلیان اشکذری، محمدجمال، «شاخص‌های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۲۸، زمستان ۱۳۸۶، ص ۸۷-۶۱.
- *شاخص‌های توسعه از دیدگاه اسلام*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- راوندی، قطب‌الدین، *الدعوات*، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷ ق.
- رجایی، سیدمحمدکاظم و همکاران، *معجم آیات اقتصادی قرآن مجید*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- رجایی، سیدکاظم، «توسعه به عنوان هدف»، *معرفت*، ش ۲۸، بهار ۱۳۷۸، ص ۴۱-۳۱.

رکن الدینی، سیدحسین، *علل انحطاط و سقوط جوامع از دیدگاه قرآن*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.

سفری، علیرضا، «وحی در آیین قرآن، عرفان و برهان»، بیات، ش ۴۳، پائیز ۱۳۸۳، ص ۸۴-۹۹.
فیض کاشانی، مولی محسن، *محوه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، اسلامی، ۱۳۸۳ق.
قانع عزآبادی، احمدعلی، *علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

کلینی (شیخ)، ابی جعفر، *الاصول الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
گریفین، کنت، *راهبردهای توسعه اقتصادی*، ترجمه حسین زاغفر و محمد حسین هاشمی، تهران، نی، ۱۳۷۵.
لومفرت، ریچارد، *راه‌های گوناگون توسعه*، ترجمه احمد مجتهد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۶.
مجلسی (علامه)، محمدباقر، *بهار الانوار*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق.
مصباح‌یزدی، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، چ دوم، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.

مصباحی‌مقدم، غلامرضا، «مفهوم توسعه در قرآن و حدیث»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۲، پائیز ۱۳۷۶، ص ۳-۸.
مظاهری سیف، حمیدرضا، «حیات طیبه از دیدگاه قرآن کریم»، *معرفت*، ش ۱۰۹، دی ماه ۱۳۸۵، ص ۱۱-۲۵.
نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۷۳.
هانت، دایانا، *نظریه‌های اقتصاد توسعه*، *تحلیلی از الگوهای رفیب*، ترجمه غلام رضا آزاد ارمکی، تهران، نی، ۱۳۷۶.
همبرگ، دانیل، *الگوهای رشد اقتصادی*، ترجمه مهدی تقوی، تهران، علمی و فرهنگی شکر، ۱۳۷۵.

Sakiko, Fukuda-Parr, The Human Development Paradigm: Operationalizing Sen's ideas on capabilities, *Feminist Economics*, v 9(2-3), 2003, p 301-317.

Sen, Amartya Kumar, *Development as Freedom*, New York: Anchor Books, 1999.

Sharp, Andrew, *A Survey of Indicators of Economic and Social Well-being*, Paper prepared for Canadian Policy Research Networks, July 22, 1999.

United Nations Development Programme, *Human Development Report 1999-2010*, New York: Oxford University Press, 1999-2010.

Van de Ven, Brugt Kazemier and Steven Keuning, *Measuring Well-being with an Integrated System of Economic and Social Accounts*, Division of Presentation and Integration, Department of National Accounts Statistics Netherlands, May 17, unpublished report, 1999.